

درآمدی بر پیوستگی های شبکه ای سوره های قرآن کریم، مطالعه موردی: «سوره مبارکه ذاریات»

تألیف:
روح الله داوری

فهرست مطالب

سخن ناشر.....	۹
چکیده.....	۱۳
مقدمه.....	۱۵
فصل اول: کلیات و مفاهیم.....	۱۷
مقدمه.....	۱۷
۱-۱. مفاهیم.....	۱۷
۱-۱-۱. پیوستگی های شبکه ای.....	۱۷
۱-۱-۲. تناسب.....	۱۷
۱-۲-۱-۱. تناسب در لغت.....	۱۸
۱-۲-۱-۲. تناسب در اصطلاح.....	۱۸
۲-۱. اهمیت پیوستگی و تناسب.....	۱۸
۱-۲-۱. کمک به فهم و تفسیر قرآن.....	۱۸
۲-۲-۱. اثبات معجزه اسلوب قرآن.....	۱۹
۳-۲-۱. تقویت نگرش اندام وار-کل نگرانه.....	۱۹
۴-۲-۱. استفاده صحیح جهت تفسیر موضوعی.....	۲۰
۳-۱. چرایی تناسب درون آیه ای تا نظریه انسجام و وحدت سوره ها.....	۲۰
۴-۱. خاستگاه های فرضیه ها پیرامون پیوستگی آیات و سوره.....	۲۱
۴-۱-۱. دفاع از نظم و چینش آیات و سوره.....	۲۱
۴-۱-۲. ارائه برداشت های بدیع تفسیری و رهایی از تفاسیر سنتی.....	۲۳
۴-۱-۳. اهمیت یافتن روش تفسیری قرآن به قرآن.....	۲۴
۴-۱-۴. ضرورت یافتن تفاسیر موضوعی.....	۲۴
۵-۱. انواع تناسب.....	۲۵

۱-۵-۱. انواع تناسب درون سوره‌ای	۲۵
۱-۱-۵-۱. تناسب ترتیب آیات یک سوره	۲۵
۲-۱-۵-۱. تناسب آغاز سوره‌ها با مضمون آن‌ها (فواتح سور)	۲۷
۳-۱-۵-۱. تناسب پایان سوره‌ها با مضمون آن‌ها	۳۱
۴-۱-۵-۱. تناسب میان آغاز و پایان سوره‌ها	۳۱
۵-۱-۵-۱. تناسب نام‌ها و صفات الهی با محورهای سوره	۳۲
۶-۱-۵-۱. تکرار	۳۲
۷-۱-۵-۱. مراعات نظیر (لف و نشر)	۳۴
۸-۱-۵-۱. ساختار اسم موصولی	۳۵
۹-۱-۵-۱. ارجاع	۳۶
۱۰-۱-۵-۱. جانشینی	۳۷
۱۱-۱-۵-۱. جفت صفت‌ها	۳۸
۱۲-۱-۵-۱. ساختارهای متقارن	۳۸
جمع‌بندی	۳۹

فصل دوم: بررسی چگونگی شناخت پیوستگی‌های شبکه‌ای میان سوره‌های قرآن کریم ۴۱

مقدمه	۴۱
۱-۲. انواع پیوستگی‌های شبکه‌ای میان سوره‌های قرآن کریم	۴۱
۱-۱-۲. تناسب مضمونی میان سور هم‌جوار	۴۱
۲-۱-۲. تناسب میان مجموعه‌ای از سور	۴۲
۳-۱-۲. تناسب آغاز سوره با پایان سوره پیشین	۴۳
۴-۱-۲. تناسب دو سوره پیاپی در شروع یا پایان	۴۴
۵-۱-۲. نظائر آیات	۴۴
۱-۵-۱-۲. نظیر در لغت و اصطلاح	۴۴
۲-۵-۱-۲. نظائر لفظی و انواع آن	۴۵
۱-۲-۵-۱-۲. اشتراک دو آیه در عبارت‌هایی مشترک (بیش از ۵ واژه)	۴۵
۲-۲-۵-۱-۲. اشتراک دو آیه در پنج لفظ مشترک	۴۶
۳-۲-۵-۱-۲. اشتراک دو آیه در چهار لفظ مشترک	۴۷
۴-۲-۵-۱-۲. اشتراک دو آیه در سه لفظ مشترک	۴۸
۵-۲-۵-۱-۲. اشتراک دو آیه در دو لفظ مشترک	۴۸
۶-۲-۵-۱-۲. اشتراک دو آیه در یک لفظ مشترک	۴۸

فهرست مطالب □ ۷

۴۹	اشتراک دو آیه در یک ماده مشترک..... ۷-۲-۵-۱-۲
۵۰	نظائر معنوی و انواع آن..... ۳-۵-۱-۲
۵۰	یکسان بودن مفهوم..... ۱-۳-۵-۱-۲
۵۲	یکسان بودن مصداق..... ۲-۳-۵-۱-۲
۵۳	سجع..... ۶-۱-۲
۵۴	سیاق..... ۷-۱-۲
۵۶	غرض مشترک..... ۸-۱-۲
۵۷	موضوع مشترک..... ۹-۱-۲
۵۸	واژگان کلیدی..... ۱۰-۱-۲
۵۸	جمع‌بندی.....

فصل سوم: چگونگی شناخت پیوستگی‌های شبکه‌ای میان سوره مبارکه ذاریات با دیگر

۵۹	سوره‌های قرآن کریم.....
۵۹	مقدمه.....
۵۹	۱-۳. تناسب مضمونی میان سور همجوار.....
۶۰	۲-۳. تناسب آغاز سوره با پایان سوره پیشین (تناسب خواتم یک سوره با فواتح سوره بعدی).....
۶۱	۳-۳. تناسب دو سوره پیاپی در شروع یا پایان.....
۶۲	۴-۳. غرض مشترک.....
۶۴	۵-۳. سجع.....
۶۶	۶-۳. موضوع مشترک از طریق نظائر آیات.....
۶۷	۱-۶-۳. منکران قیامت و ویژگی‌های آن‌ها.....
۷۱	۲-۶-۳. ویژگی‌های متقین.....
۷۳-۳	۳-۶-۳. داستان حضرت ابراهیم علیه السلام و بشارت به فرزند دار شدن ایشان توسط فرشتگان و رفتن فرشتگان به سوی قوم لوط برای عذاب.....
۷۶	۴-۶-۳. داستان حضرت موسی علیه السلام و فرعون.....
۸۵	۵-۶-۳. داستان قوم عاد.....
۸۹	۷-۶-۳. داستان قوم نوح علیه السلام.....
۹۷	۲-۱. اشتراک دو آیه در سه لفظ مشترک.....
۹۸	۳-۶-۸. موضوع خلقت زوجین.....
۹۹	۳-۶-۹. مسأله اهانت به انبیاء و تسلی دادن به پیامبر (ص) به خاطر این امر.....
۱۰۳	۳-۶-۱۰. هدف از آفرینش جن و انس.....

۸ □ درآمدی بر پیوستگی‌های شبکه‌ای سوره‌های قرآن کریم

۱۰۹.....	۳-۶-۱۱. رزاق بودن خداوند.....
۱۱۱.....	جمع‌بندی.....
۱۱۳.....	نتیجه‌گیری.....
۱۱۷.....	پیشنهادهای پژوهشی.....
۱۱۹.....	فهرست منابع.....
۱۲۵.....	نمایه.....

سخن ناشر

جایگاه محوری قرآن کریم در منظومه فکری اسلام و ویژگی‌های منحصر بفرد آن، منجر شده تا خداوند متعال نسبت به تدبّر در این کتاب الهی و بهره‌مندی از اصول و آموزه‌های آن به مثابه راهنمایی جاودانی، به کرات توصیه نموده باشد. در واقع قرآن کریم در کلام الهی به اوصافی شناسانده شده که حکایت از حیات و تأثیرگذاری مستمر آن در ویرای تمامی زمان‌ها و مکان‌ها دارد؛ اوصافی چون «هدایت‌گری و بشارت‌دهندگی» (إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ - بخشی از سوره مبارکه الاسراء (۱۷). آیه شریفه ۹)، «صدور حکمت» (وَ الْقُرْآنَ الْحَكِيمَ - سوره مبارکه یس (۳۶) - آیه شریفه ۲)، «دارای کرامت» (إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ - سوره مبارکه الواقعة (۵۶). آیه شریفه ۷۷) و مواردی از این قبیل که در مجموع دلالت بر ضرورت مراجعه مستمر به این کتاب الهی و بهره‌مندی از آن برای فهم معنای زندگی، فلسفه حیات و نحوه اداره امور دارد. به همین خاطر است که خداوند متعال «قرآن کریم» را از این حیث جامع معرفی نموده و تصریح دارد که «وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَ كَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا» (قرآن کریم. سوره مبارکه الکهف ۱۸. آیه شریفه ۵۴). این خطاب عمومی به انسان دلالت بر آن دارد که «قرآن کریم» برای تمامی صاحبان عقول سلیم می‌تواند راهنما باشد و قرآن از این منظر «هادی» و «روشن‌گر» است. این معنا آن زمان آشکارتر می‌گردد که بدانیم خداوند متعال سلامت معنا و صیانت متن از هر گونه انحرافی را در طول زمان منتفی ساخته و در تمامی اعصار

متنی معتبر و مستند را در اختیار انسان قرار می دهد که می تواند بدان اتکاء نماید؛ چنان که فرموده است: **إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ** (قرآن کریم. سوره مبارکه الحجر (۱۵). آیه شریفه ۹).

با این مبنا و با عنایت به سفارش های بیان شده از سوی رسول خدا ﷺ و ائمه معصومین (علیهم السلام) در خصوص ضرورت تمسک به قرآن کریم و اهل بیت (علیهم السلام)؛ ضرورت مطالعات قرآنی با استفاده از روش های میان رشته ای متناسب با نیازها و مسائل هر دوره ای، آشکار می گردد.

دانشگاه امام صادق (علیه السلام) به عنوان نهادی که بر بنیادی خیر و نیکو و مطابق با آموزه های دینی تاسیس شده و چنان تعریف شده تا بر این اصل استوار بوده و بدین ترتیب از کژي و انحراف دور باشد (أَفَمَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَى تَقْوَى مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ أَمْ مَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَى شَفَا جُرُفٍ هَارٍ - قرآن کریم. سوره مبارکه التوبه (۹) بخشی از آیه شریفه ۱۰۹)، از حیث محتوایی، فلسفی و ساختاری در ارتباطی تنگاتنگ با قرآن کریم قرار دارد و توسعه مطالعات قرآنی و تلاش برای حاکمیت فرهنگ قرآنی (در پرورش نیروی انسانی، تربیت مدیران، تولید نظریه علمی و ...) تنها اولویت محوری دانشگاه به شمار می آید که تمامی سیاست ها در ذیل آن معنا می دهد. این رویکرد با هدف خروج قرآن کریم از مهجوریتی تعریف شده که رسول خدا ﷺ پیوسته نگران آن بوده و امت را نسبت به این پدیده خطرناک تحذیر می دادند؛ باشد که با قرآن از در افتادن به گمراهی و کفر بازداشته شوند؛ «وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا» (قرآن کریم. سوره مبارکه الفرقان (۲۵). آیه شریفه ۳۰).

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق (علیه السلام) با هدف همراهی با این آرمان بلند و با انگیزه بهره مندی از هدایت های قرآنی در گستره جامعه علمی، طرح کلان «توسعه مطالعات قرآنی» را از سال ۱۳۸۷ همزمان با هفته پژوهش آغاز و مطالعات متعددی را با رویکرد تخصصی و میان رشته ای تعریف و به اجراء گذارده است. اثر حاضر از جمله محصولات این طرح با برکت است که پس از طی مراحل پژوهشی جهت بهره مندی جامعه علمی عرضه می گردد. ناشر ضمن تشکر از تمامی افرادی که در نهایی شدن این طرح همکاری نموده اند؛ بویژه پدیدآورنده محترم، امید دارد که به این وسیله در توسعه آموزه های قرآنی با بهره مندی از راه نمایی های ارایه شده از معصومین (علیهم السلام)، در سطح جامعه علمی توفیقی کسب نماید. در این صورت رحمت قرآنی مشمول حال محقق، ناشر و خوانندگان خواهد بود که جمع کثیری از اساتید، دانشجویان و علاقه مندان به مطالعات قرآنی را شامل می شود و این وعده حق الهی است؛ آنجا که می فرماید: «وَنُزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ

سخن ناشر □ ۱۱

ما هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ» (قرآن کریم. سوره مبارکه الاسراء(۱۷). بخشی از آیه شریفه (۸۲). در این راستا و همچون قبل ناشر آمادگی خود را جهت دریافت آثار پژوهشی محققان و نشر آنها اعلام می‌دارد.

وَللهُ الْحَمْدُ

معاونت پژوهشی دانشگاه

چکیده

ارتباط و پیوستگی آیات قرآن کریم از یک سو، و چینش قرار گرفتن سوره‌ها در مصحف از سوی دیگر، همواره یکی از مباحث مهم علوم قرآنی و دانش تفسیر بوده است. این مقوله در مباحث سنتی علوم قرآنی، غالباً تحت عناوینی چون «نظم آیات» و «تناسب سور» آمده است. هدف از طرح این مباحث، بیش از همه، دفاع از نظم درون سوره‌ای آیات، و نیز چینش فعلی سوره‌ها در مصحف بوده است؛ گرچه گاه فواید تفسیری نیز دربرداشته، و دست‌مایه مفسران در شرح و تبیین آیات قرار گرفته است. اما در قرون متأخر، پیوستگی‌های شبکه‌ای آیات و سور ضرورتی دوچندان یافته، فراتر از دفاع از نظم قرآن، کارکرد تفسیری‌اش بیش از همه قوت گرفته است. این نوشتار می‌کوشد ضمن معرفی پیوستگی‌های شبکه‌ای، پیوستگی‌های شبکه‌ای سوره الذاریات را با دیگر سوره‌های قرآن کریم با روش توصیفی - تحلیلی مورد بررسی قرار دهد.

در همین راستا ابتدا «پیوستگی‌های شبکه‌ای» و «تناسب» را تعریف کرده و توضیحی مختصر از آن به دست داده‌ایم؛ آنگاه تاریخچه هر یک، و سپس خاستگاه‌های آن‌ها را - تا سر حد ممکن به صورت تحلیلی - تبیین کرده‌ایم. در ادامه انواع «تناسب درون سوره‌ای» و «پیوستگی‌های شبکه‌ای» را برشمرده و در پایان این پیوستگی‌ها را در سوره الذاریات نشان داده‌ایم و مشخص شده است که سوره الذاریات از طریق غرض مشترک با سوره‌های الأعراف، هود، الصافات، القمر، ق، المرسلات و النازعات، از طریق سجع با سوره‌های المرسلات و النازعات و از طریق موضوع مشترک از طریق نظائر آیات، با سوره‌های مختلفی در ارتباط است ولی بیشترین سوره‌هایی که موضوعات سوره الذاریات در آن تکرار

۱۴ □ درآمدی بر پیوستگی‌های شبکه‌ای سوره‌های قرآن کریم

شده‌اند و می‌توان گفت بیشترین ارتباط را دارند، عبارتند از: الأعراف، هود، فصلّت و القمر. از بین سوره‌های مذکور نیز بیشترین ارتباط را ابتدا با سوره المرسلات و سپس سوره النازعات دارد.

مقدمه

به هنگام مواجهه با هر نوع کتاب و یا نوشته‌ای طولانی، یکی از نخستین سؤال‌ها این است که مباحث مختلف نوشتار، چه ارتباطی با یکدیگر دارند و وجه اتصال آن‌ها کدام است؟ از آنجا که قرآن کریم نیز حجمی معتدبه دارد و طبق شمارش مشهور، از ۱۱۴ سوره با ۶۲۳۶ آیه تشکیل شده است، همواره این سؤال درباره‌اش وجود داشته و دیدگاه‌هایی درباره‌اش طرح گشته است.

نخستین تلاش‌ها در این زمینه را می‌توان در مباحث کلامی اعجاز قرآن از طریق «نظم موجود میان واژگان و عبارات آیات» مشاهده کرد. کسانی چون ابوبکر باقلانی (د. ۴۰۳ ق) و عبدالقاهر جرجانی (د. ۴۷۱ ق) این باور را ترویج دادند که نظم موجود میان واژگان و عبارات قرآنی از دلایل اعجاز محسوب می‌شود (باقلانی، ۱۴۲۱، ص ۳۰؛ جرجانی، ۱۴۲۲، ص ۶۸). در مرحله بعد، این مفسران و علمای علوم قرآنی بودند که «ارتباط درون یک آیه»، «ارتباط میان آیه با فرازهای پیش و پس آن» و حتی «ارتباط یک سوره با سوره قبل و بعد و یا گروهی از سوره‌ها» را در آثار خود نشان دادند.

اما افزون بر تلاش‌های برشمرده، برخی از مفسران و علمای علوم قرآنی به دنبال ارتباط‌های فراتری هستند که برای یادکردش از اصطلاح «پیوستگی‌های شبکه‌ای»^۱ استفاده خواهیم کرد. مقصود از پیوستگی‌های شبکه‌ای، نوعی خاص از تناسب است که بر دو مسأله تمرکز دارد: (۱) کشف ارتباط میان یک سوره با دیگر سوره‌ها فارغ از سوره قبل و بعد (۲) کشف ارتباط آیات یک سوره با دیگر آیات سوره‌های قرآن کریم.

درباره پیشینه پژوهش باید گفت آثار متعددی با عناوینی چون تناسب آیات و سوره و یا انسجام متنی قرآن به رشته تحریر درآمده که از مهمترین آن‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد: «پژوهشی در نظم قرآن» از عبدالهادی فقهی‌زاده، «نگره‌ای جدید درباره انسجام متنی سوره‌های قرآن کریم» از امیر ذوقی، «تناسب مضمونی و انسجام ساختاری در قرآن» از سلوا العوّا، «انسجام قرآن از نظریه تا عمل: مقایسه روش تفسیری فراهی، اصلاحی و حوّی» از سیدعلی آقایی. اما مهمترین و جامع‌ترین اثر در این باره، مقاله اثر مشترک عباس اسماعیلی زاده و مریم نساج به نام «ارتباط و پیوستگی آیات قرآن در سیر تاریخی آن و نقدی بر برخی اصطلاحات معاصر» است. در این آثار، یک فرضیه و یا تعدادی از آن‌ها در رابطه با پیوستگی آیات توضیح و بسط داده شده است. اما اثری جامع مشتمل بر تمامی پیوستگی‌ها و نشان دادن این پیوستگی‌ها در سوره‌الذاریات به رشته تحریر در نیامده است. در این کتاب، ابتدا «پیوستگی‌های شبکه‌ای» و «تناسب» را تعریف کرده و توضیحی مختصر از آن به دست داده‌ایم؛ آنگاه اهمیت پیوستگی و تناسب و چرایی تناسب درون سوره‌ای تا نظریه انسجام و وحدت سوره‌ها و سپس خاستگاه‌های آن‌ها را - تا سر حد ممکن به صورت تحلیلی - تبیین کرده‌ایم. در ادامه انواع «تناسب درون سوره‌ای» و «پیوستگی‌های شبکه‌ای» را برشمرده و در پایان این پیوستگی‌ها را در سوره‌الذاریات نشان داده‌ایم. لازم به ذکر است با توجه به این که تأکید این نوشتار تکیه بر نظائر آیات است، لذا این روش حجم بسیاری از این پژوهش را به خود اختصاص داده است.

فصل اول

کلیات و مفاهیم

مقدمه

در این فصل ابتدا «پیوستگی‌های شبکه‌ای» و «تناسب» را تعریف کرده و توضیحی مختصر از آن به دست داده‌ایم؛ آنگاه اهمیت آن و چرایی تناسب درون سوره‌ای تا نظریه انسجام و وحدت سوره‌ها را تبیین کرده‌ایم. در ادامه خاستگاه‌های فرضیه‌ها پیرامون پیوستگی آیات و سور را تحلیل کرده و سپس انواع «تناسب درون سوره‌ای» را برشمرده‌ایم.

۱-۱. مفاهیم

در این بخش به معرفی پیوستگی‌های شبکه‌ای، تناسب، اهمیت تناسب، چرایی تناسب درون آیه‌ای تا نظریه انسجام و وحدت سوره‌ها، خاستگاه‌های فرضیه‌ها پیرامون آیات و سور و انواع تناسب پرداخته می‌شود.

۱-۱-۱. پیوستگی‌های شبکه‌ای

مقصود از پیوستگی‌های شبکه‌ای کشف ارتباط یک سوره با دیگر سوره‌های قرآن کریم فارغ از سوره قبل و بعد و کشف ارتباط آیات یک سوره با دیگر آیات سوره‌های قرآن کریم است.

۱-۱-۲. تناسب

یکی از اصطلاحات و تعبیری که با اصطلاح پیوستگی، ارتباط نزدیکی دارد، واژه تناسب است، لذا این واژه از نظر لغوی و اصطلاحی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۲-۱-۱. تناسب در لغت

تناسب در لغت به معنای نزدیک بودن، شباهت، اتصال و هم شکل بودن است (خلیل بن احمد فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۷: ۲۷۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱: ۷۵۵؛ مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱۲: ۹۴).

ابن فارس می‌گوید: «النون و السین و الباء کلمة واحدة قیاسها اتصال شيء بشيء» (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۵: ۴۲۳). یعنی نسب کلمه واحدی است که به معنای اتصال چیزی به چیز دیگر است.

۱-۲-۱-۲. تناسب در اصطلاح

تناسب در اصطلاح به معنای ربط دهنده‌ی بین آیات است که رابط آن می‌تواند عام یا خاص، عقلی یا حسی یا خیالی یا دیگر انواع روابط باشد (سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۲: ۲۱۸). این علم که بین سوره‌های قرآن کریم یا بین آیات در یک سوره می‌باشد از علوم دقیقی می‌باشد که احتیاج به فهم دقیق برای مقاصد قرآن کریم دارد و برای نظم قرآن کریم و بیان اعجاز آن کاربرد دارد. و بعضی از مفسران نسبت این علم از تفسیر را مانند نسبت علم بیان از علم نحو دانسته اند (مسلم، ۱۴۲۶: ۵۹).

دانشمندان علوم قرآنی فایده این علم را سبب ارتباط اجزاء کلام می‌دانند و بعضی نیز معتقدند اکثر لطائف قرآنی در علم تناسب به ودیعه گذاشته شده است (زرکشی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۱۳۱-۱۳۲).

بنابراین می‌توان گفت تناسب در اصطلاح به معنای ربط دهنده‌ی آیات است و خود شامل انواع تناسب درون سوره‌ای و برون سوره‌ای است که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود.

۲-۱. اهمیت پیوستگی و تناسب

علم تناسب دارای اهمیت فراوانی است و از دیرباز مورد توجه دانشمندان حوزه علوم قرآنی بوده که در این‌جا به چند مورد اشاره می‌شود: کمک به فهم و تفسیر قرآن، اثبات معجزه اسلوب قرآن، تقویت نگرش اندام وار- کل نگرانه و استفاده صحیح جهت تفسیر موضوعی.

۱-۲-۱. کمک به فهم و تفسیر قرآن

یکی از مباحث علوم قرآنی که می‌تواند به تفسیر قرآن کمک کند، علم تناسب می‌باشد. زرکشی در این باره می‌گوید: علم تناسب باعث می‌شود اجزاء کلام به هم پیوند بخورد و

این امر، ارتباط را قوی می‌کند و باعث ساختن بنائی محکم و اجزائی سازگار می‌گردد. «جعل أجزاء الكلام بعضها أخذاً بأعناق بعض، فيقوى بذلك الارتباط، و بصير التأليف حاله حال [الأکید] البناء المحکم، المتلائم الأجزاء» (زرکشی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۱۳۱). بنابراین وقتی اجزاء کلام به هم ربط یابند و با هم سازگار شوند، این امر در تفسیر آیات نیز کمک می‌کند. به عنوان نمونه وقتی از امام کاظم علیه السلام در مورد سجده یعقوب علیه السلام و فرزندانش برای یوسف علیه السلام پرسیده می‌شود {وَرَفَعَ أَبَوَيْهِ عَلَى الْعَرْشِ وَ خَرُّوا لَهُ سُجَّدًا...} (یوسف/۱۰۰) ایشان می‌فرمایند: سجده آن‌ها برای یوسف نبود بلکه برای طاعت خدا و تحیت یوسف بود و این سجده آن‌ها و بودن یوسف با آن‌ها شکری بود برای خدا؛ بخاطر همین یوسف علیه السلام برای شکر خداوند، آیه بعد را می‌خواند. {زَبَّ قَدْ آتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ وَ عَلَّمْتَنِي مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ...} (یوسف/۱۰۱) با توجه به توضیحات فوق مشخص می‌شود که امام کاظم علیه السلام برای توضیح "سجداً" به آیه بعد اشاره می‌کند و ربط و پیوستگی این آیات را نشان می‌دهد (حویزی، ۱۴۱۵، ج ۲: ۴۶۸). بعضی نیز قائلند فایده این علم تا حدی قابل پذیرش است، اما به عنوان قاعده کلی که در هر مناسبتی تأثیر در فهم قرآن داشته باشد مورد تردید است (ایازی، ۱۳۸۰: ۲۶).

۱-۲-۲. اثبات معجزه اسلوب قرآن

یکی دیگر از جنبه‌های اهمیت و فایده علم تناسب، اثبات معجزه اسلوب قرآن است. از همین رو فخر رازی می‌گوید: «همان طور که قرآن از لحاظ فصاحت الفاظ و معانی بلند معجزه است از نظر ترتیب و نظم آیات نیز معجزه است. و شاید کسانی که گفته اند قرآن از لحاظ اسلوب معجزه است، منظورشان همین بوده است. البته بیشتر مفسران از این لطائف روی گردانده‌اند و توجهی به این امور ندارند» (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۷: ۱۰۷).

۱-۲-۳. تقویت نگرش اندام وار- کل نگرانه

یکی از روش‌های رایج تفسیری، انتخاب یک آیه بدون توجه به سیاق آیات است و این باعث می‌شود که تفسیرهای مختلفی از قرآن صورت بگیرد که اصطلاحاً به آن رویکرد خطی - اتم انگارانه می‌گویند. در صورتی که اگر نگاه اندام وار- کل نگرانه وجود داشته باشد - منظور دیدگاه سوره به عنوان واحد پیوسته است - و به آیات قرآن کریم به عنوان یک مجموعه نگریسته شود، برداشت‌های مختلف از آن کمتر صورت می‌گیرد. مستنصر میر در این باره می‌گوید: «حقیقت آن است که کارکرد اصل اتم انگارانه درباره قرآن، نه تنها

قرآن را به کیکی با لایه‌های فراوان، بلکه به توده ملاطی بی قواره تبدیل می‌کند. دیدگاه سوره به عنوان واحد پیوسته، اگر به درستی شرح یابد می‌تواند به پایان دادن تفسیرهای بی‌قاعده و فراهم کردن تفسیری معتبرتر از قرآن کمک کند» (میر، ۱۳۸۶: ۴۴۴-۴۴۵).

۱-۲-۴. استفاده صحیح جهت تفسیر موضوعی

همان طور که در قسمت قبل توضیح داده شد یکی از روش‌های رایج تفسیری انتخاب آیات بدون در نظر گرفتن سیاق و آیات قبل و بعد است. این موضوع در تفسیر موضوعی نیز دیده می‌شود. لذا اگر برای تفسیر موضوعی نیز، آیات در درون سیاق دیده شود، می‌توان آن آیات را بدون برهم زدن نظم آیات، برای تفسیر موضوعی استفاده کرد. بنابراین می‌توان گفت یکی از موارد اهمیت و فواید علم تناسب استفاده صحیح جهت تفسیر موضوعی می‌باشد.

۱-۳. چرایی تناسب درون آیه‌ای تا نظریه انسجام و وحدت سوره‌ها

در مقدمه کتاب گفته شد که در قرون نخستین، به «نظم موجود میان واژگان و عبارات قرآنی» توجه می‌شد و سپس در قرون میانی این نگاه تا حدودی توسعه یافت و «ارتباط درون آیه‌ای»، «ارتباط میان آیات یک سوره» و «ارتباط یک سوره با سوره قبل و بعد» نیز مورد توجه مفسران قرار گرفت. در دوره معاصر این نگاه آن قدر توسعه یافت که توجه بیشتر مفسران به «سوره به مثابه کلیت واحد» یا «انسجام و وحدت سوره‌های قرآن کریم» معطوف گشت و در آثار خود، آن را نشان دادند. و برخی نیز مانند علامه طباطبایی مبنای تفسیر خود را تفسیر قرآن به قرآن قرار دادند که آیات نظیر از ارکان آن محسوب می‌شود. با توجه به توضیحات فوق مشخص می‌شود با کنار هم قرار دادن آیات و ارتباط میان آیات، می‌توان از موضوع واحد و تفسیر موضوعی سخن به میان آورد. و در همین راستا پیوستگی و تناسب آیات ارتباط تنگاتنگی با تفسیر موضوعی پیدا می‌کند. در ادامه به چرایی استفاده حداقلی از تناسب در قرون اولیه و میانی و استفاده حداکثری در عصر جدید پرداخته می‌شود.

به طور کلی می‌توان گفت استفاده حداقلی از تناسب آیات و سوره که ارتباط تنگاتنگی با تفسیر موضوعی دارد، به دو علت است:

الف: عدم نیاز به تفاسیر موضوعی: آنچه تعیین کننده نوع تفاسیر می‌باشد نوع نیازهای هر عصر است. در این قرون نیازی به تفسیر موضوعی وجود نداشته؛ لذا ضرورتی

برای آن نیز نبوده است. و مسئله‌هایی که در جهان اسلام اتفاق می‌افتاده است، مشخص بوده که در کجا می‌توان جواب آن‌ها را پیدا کرد. به عنوان مثال برای مسائل فقهی به کتاب‌های فقهی و برای مسائل کلامی به کتب کلامی مراجعه می‌کرده‌اند و زمانی که مایل به انس قرآن بودند به سراغ قرآن و تفاسیر می‌رفتند و اصلاً چنین رویکردی وجود نداشته است که افراد مستقیماً به سراغ قرآن بروند و جواب مسئله‌هایشان را بیابند (پاکتچی، ۱۳۸۷: ۲۶۹).

ب: مخالفت با تفاسیر موضوعی: علمای این عصر این نوع تفسیر را معتبر نمی‌دانستند؛ زیرا احادیثی وجود دارد که از «ضرب قرآن به قرآن»^۱ نهی کرده‌اند و اگر به مقدمه کتب تفسیری همچون عیاشی یا ذیل احادیث مربوط به تفسیر در کتاب بحارالانوار مراجعه شود، مجموعه‌ای از این اخبار نقل شده که این کار را نهی کرده‌اند و بسیاری از متقدمین ما از این مسئله، تفسیر موضوعی را برداشت کرده‌اند. علت این امر این است که متقدمین عمدتاً برای تناسب آیات درون یک سوره موضوعیت قائل بودند و با این مسئله موافق نبودند که چند آیه از چند سوره را کنار هم قرار داد و بخواهیم تفسیر کلی از مجموع آن‌ها بفهمیم (رک: پاکتچی، ۱۳۸۷: ۲۷۰). اما در عصر جدید سؤالات زیاد شده و افراد می‌خواهند جواب سؤالاتشان را مستقیماً از قرآن پیدا کنند؛ لذا تفاسیر موضوعی در این عصر خیلی زیاد شده است. و مفسرین نیز علاوه بر توجه به موضوعات یک سوره، به ارتباط آیات سوره‌های مختلف جهت پاسخ‌گویی به مسائل جدید توجه بیشتری نشان دادند.

۱-۴. خاستگاه‌های فرضیه‌ها پیرامون پیوستگی آیات و سور

از جمله خاستگاه‌های فرضیه‌ها پیرامون پیوستگی آیات و سور دفاع از نظم و چینش آیات و سور، ارائه برداشت‌های بدیع تفسیری و رهایی از تفاسیر سنتی، اهمیت یافتن روش تفسیری قرآن به قرآن و ضرورت یافتن تفاسیر موضوعی است که در ادامه به شرح آن‌ها پرداخته می‌شود.

۱-۴-۱. دفاع از نظم و چینش آیات و سور

نخستین تلاش‌ها در این زمینه را می‌توان در مباحث کلامی اعجاز قرآن از طریق «نظم موجود میان واژگان و عبارات آیات» مشاهده کرد. کسانی چون ابوبکر باقلانی (د. ۴۰۳

۱. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ قَالَ أَبِي (ع): «مَا ضَرَبَ رَجُلٌ الْقُرْآنَ بَعْضُهُ بِبَعْضٍ إِلَّا كَفَرَ» (الكافي، ط - الإسلامية)، ج ۲، ص: ۶۳۲.

ق) و عبدالقاهر جرجانی (د. ۴۷۱ ق) این باور را ترویج دادند که نظم موجود میان واژگان و عبارات قرآنی از دلایل اعجاز محسوب می‌شود (باقلائی، ۱۴۲۱: ۳۰؛ جرجانی، ۱۴۲۲: ۶۸). در مرحله بعد، این مفسران و علمای علوم قرآنی بودند که «ارتباط درون یک آیه»، «ارتباط میان آیه با فرازهای پیش و پس آن» و حتی «ارتباط یک سوره با سوره قبل و بعد و یا گروهی از سوره‌ها» را در آثار خود نشان دادند. در قرن ششم، طبرسی (د. ۵۴۸ ق) در مجمع‌البیان در پایان بعضی از آیات، عنوان «النظم» را جزء عناوین اصلی ذیل آیات قرار می‌دهد و در بعضی موارد ارتباط درون آیه‌ای (برای نمونه آیه ۲۱۷ سوره بقره: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۵۵۲-۵۵۳) و در برخی نیز ارتباط میان یک آیه با آیات قبل را مورد بررسی قرار می‌دهد (برای نمونه آیه ۲۶۱ سوره بقره: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۶۴۶).

علاوه بر تلاش‌های طبرسی در نشان دادن ارتباط‌های مذکور، در قرن هشتم و دهم، زرکشی (د. ۷۹۴ ق) و سیوطی (د. ۹۱۱ ق) نیز در آثار خود این نوع ارتباط‌ها را نشان داده‌اند. زرکشی نوع دوم کتاب البرهان فی علوم القرآن را به «معرفه المناسبات بین الآیات» اختصاص می‌دهد و به نمونه‌هایی از ارتباط یک سوره با سوره قبل اشاره می‌کند (رک: زرکشی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۱۳۴-۱۳۵). سیوطی نیز در نوع شصت و دوم کتاب الاقتان خود، فصلی را به فواتح سور و خواتم آن اختصاص می‌دهد و به نمونه‌هایی از ارتباط یک سوره با سوره قبل از خود اشاره می‌کند (رک: سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۲: ۲۲۴-۲۲۵).

اما در دوره معاصر استفاده از انواع روابط بین آیات و سوره‌ها اهمیت شایان توجهی یافته است تا جایی که بعضی از معاصران سوره را به صورت یک واحد منسجم و کلی در نظر گرفته‌اند (نک: حری، ۱۳۹۰: ۵۶). شاید پررنگ شدن نقدهای مستشرقان نسبت به نظم قرآن در این دوره در این گرایش بی‌تأثیر نبوده است. برای نمونه آنتونی ولش با استناد به گزارش‌های مرتبط با جمع و تدوین قرآن، چنینش فعلی آیات در سوره‌ها را به همان صورت اولیه و نازل شده نمی‌داند و برای آن ارزش تفسیری قائل نیست (Welch, 1986, 417-418; Welch, 1997, pp886-888). همچنین علاوه بر شماری از دانشمندان اسلامی، خاور شناسان چون پنداشته‌اند که پیوند و ارتباط طبیعی میان موادی که در سوره‌های قرآن کریم راه یافته است، وجود ندارد، برآن شده‌اند که بگویند: قرآن کریم جز پیام‌ها و نظریات پراکنده که از مطالبی متنوع شکل یافته است، چیز دیگری نیست. در صورتی که علمای اسلامی متفقاً می‌گویند: ترتیب آیه‌ها و طرز قرار گرفتن آن‌ها امری توقیفی است و با دستور و نظر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بوده است و از آن بزرگوار منقول است و

مسأله اجتهادی نیست (معرفت، ۱۳۸۲: ۸۱؛ رامیار، ۱۳۶۹: ۵۷۴).

۱-۴-۲. ارائه برداشت‌های بدیع تفسیری و رهایی از تفاسیر سنتی

در دوره معاصر جریانی شکل گرفته (جریان تدبیر در قرآن) که افراد می‌خواهند خود مستقیماً وارد فهم و برداشت از قرآن شوند و به عبارت دیگر جریان برداشت از یک آیه را خود پیمایند. این مسأله به تغییر گفتمان نسل حاضر نسبت به نسل‌های گذشته مربوط است. توضیح آنکه از جمله ویژگی‌هایی که در دوره کلاسیک - بخصوص در جهان اسلام - با آن مواجه هستیم، این است که اندیشیدن در بین عامه مردم امر معقول و پذیرفته شده‌ای نیست و معمولاً ذهن‌ها درگیر مسائل مختلف علمی، سیاسی، دینی و... نمی‌شود و کاملاً آزاد و رها از هر مسأله علمی و سیاسی زندگی عادی خودشان را می‌گذرانند. اما در دوره معاصر شاهد شکل‌گیری جامعه‌ای هستیم که عامه مردم به میدان کشیده می‌شوند و گویی به نحوی در مسائل ذی‌نفع شده و باید در آن فکر کرده و اظهار نظر نمایند. یکی از حوزه‌هایی که مردم عادی احساس کردند باید در آن ورود پیدا کنند، مسائل فرهنگی و مذهبی است یعنی خود به فهم نصوص دینی مبادرت ورزند و برداشت‌های خود را عرضه کنند بنابراین تدبیر در قرآن در این دوره گسترش چشم‌گیری یافت (پاکتچی، ۱۳۸۷: ۱۸۳).

از جمله طرفداران تدبیرگرایی در قرن حاضر کیوان قزوینی و علی صفایی هستند. در تفاسیر کیوان قزوینی و آثار تفسیری علی صفایی با یک نوع گسست نسبت به سنت تفسیری گذشته مواجهیم که به ندرت به تفاسیر پیش از خودش ارجاع می‌دهند و در مقابل می‌خواهند مستقیم با قرآن وارد فهم شوند. کیوان قزوینی که به صراحت بیان می‌کند به تفاسیر گذشتگان مراجعه نخواهد کرد (کیوان قزوینی، ۱۳۸۴، ج ۱: ۶۹ و ۸۰). علی صفایی در طعنه به تفاسیر کلاسیک می‌نویسد: «کتاب‌هایی هست که با خواندن آن‌ها عظمت و دانش نویسنده، چشم را می‌گیرد و دل را اسیر می‌کند، در حالی که آیه‌ها در این میان مثله شده و از دست رفته و هماهنگی و روابط آن‌ها فراموش گریده است» (صفایی حائری، ۱۳۸۵، ب: ۴). استفاده کم صفایی از منابع حتی در دوران زندگی‌اش نیز بازخورد داشته و چنان که خود می‌گوید مورد بازخواست قرار گرفته است (صفایی حائری، ۱۳۸۳: ۳۰). آن‌ها علاوه بر استفاده نکردن از اطلاعات تفاسیر دیگر، از منابع نقلی - روایات پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) - نیز بسیار کم سود جسته‌اند. هرچند پشت‌پرده استفاده نکردن از احادیث، گسست‌گرایی است اما آن‌ها گاه دلایلی را برای اقدام خود ارائه کرده‌اند که مهمترین آن‌ها بدگمانی درباره سند این اخبار است (کیوان قزوینی، ۱۳۸۴، ج ۱: ۸۹).

با توجه به توضیحات فوق می‌توان گفت این‌گونه مفسران تأکید ویژه‌ای بر تدبر در قرآن دارند و معتقدند عموم مردم می‌توانند قرآن را بفهمند و خود را از اسارت فهم‌های موجود و تفاسیر سنتی رهایی بخشیدند و خود به دنبال فهم بدیعی از آیات هستند.

۱-۴-۳. اهمیت یافتن روش تفسیری قرآن به قرآن

بر اساس باور جمال الدین اسدآبادی (د ۱۳۱۴ق) که بنیان‌گذار جریان‌های اصلاح‌گرای دینی در سده حاضر محسوب می‌گردد، قرآن منبعی مقدس و در بردارنده تمامی حقیقت و همه نیازهای زندگی بشری است. در صورتی که قرآن به درستی فهم شود، می‌توان دریافت که مضامین آن کاملاً با عقل انطباق دارد. با تکیه بر این اصل، او معتقد بود که تفسیر قرآن باید متحول شود و با پیشرفت‌های دانش بشری هماهنگ گردد تا بتواند در زندگی جدید، در کنار تأمین نیازهای معنوی، به انسان مسلمان کمک کند تا زندگی این جهانی خود را نیز پیش برد (نک: پاکتچی، ۱۳۸۷، ج ۱۵: ۷۳۳). این اندیشه توسط خیلی از افراد و جریان‌ها ادامه پیدا کرد. تفسیر قرآن به قرآن نیز در همین راستا مورد توجه قرار گرفت.

در واقع تفسیر قرآن به قرآن که نخست توسط تحول‌گرایان تبلیغ می‌شد، حتی در محافل سنت‌گرا مورد توجه قرار گرفت (پاکتچی، ۱۳۸۷، ج ۱۵: ۷۳۳). در نگاه این گروه با پذیرش حجیت ظواهر کتاب، قرآن به عنوان نخستین مفسر قرآن شناخته می‌شد و کاربرد اخبار (نک: طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱: ۸، ۱۱) و معارف عقلی (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۳۹۷-۳۹۸) نیز در تفسیر نادیده نگرفته شده است.

با توجه به توضیحات فوق مشخص گردید توجه به نیازهای جامعه و حل مشکلات آن باعث گردید مسلمانان به قرآن بازگردند و با مبنا قرار دادن آن، مشکلات عصر خود را رفع کنند. تفسیر قرآن به قرآن نیز در همین راستا اهمیت یافت و با تبیین برخی از آیات فرعی به وسیله آیات اصلی و محوری به دنبال فهم جمعی آیات قرآن برآمد (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۳۹۵). و روشن است که پیوستگی و ارتباط آیات، از ارکان این روش محسوب می‌گردد.

۱-۴-۴. ضرورت یافتن تفاسیر موضوعی

دنیای امروز دنیای مسائل است و نیازها و سؤالات بشر بسیار زیاد شده است. از یک سو مسلمین به عنوان افراد پایبند به قرآن می‌خواهند بدانند نظر قرآن درباره این پرسش‌ها چیست و چه پاسخی دارد؟ و از دیگر سو، جهان بشریت و محافل علمی و پیروان مکاتب دیگر می‌خواهند نظر و پاسخ قرآن را پیرامون آن موضوعات و مسائل جویا شوند (جلیلی،

۱۳۷۲: ۵۵). همچنین همه مکتب‌های انحرافی کوشیده‌اند تا با ارتباط و پیوند يك سلسله مسائل يك کلّ منظم و هماهنگ بوجود آورده و اندیشه‌های غلط خود را منسجم معرفی کنند؛ لذا علما و پژوهشگران مسلمان باید بیشتر از آن‌ها در فکر عرضه معارف قرآن به صورت منظم باشند تا پژوهشگر با شروع از يك نقطه پیش رود و زنجیره‌وار حلقه‌های معارف اسلامی را به هم ربط داده و به آنچه که هدف قرآن و اسلام است، در نهایت نایل آید (نک: مصباح، ۱۳۹۳: ۱۸-۱۹).

بنابراین با توضیحات فوق مشخص می‌شود «روش تفسیر موضوعی» تنها راهی است که ما را قادر می‌سازد تا در مقابل موضوعات مختلف زندگی به نظریه‌های اساسی اسلام و قرآن دست یابیم (صدر، بی‌تا: ۳۳) و در مقابل نظام فکری غرب، نظام فکری اسلام را عرضه کنیم. قابل ذکر است که جریانی که اخیراً بیشتر مورد توجه مفسران نوگرا واقع شده و با عنوان «تفسیر موضوعی» شهرت یافته است، در واقع به لحاظ روشی به تفسیر قرآن به قرآن متکی است (اسعدی، ۱۳۸۹، ج ۸: ۳۲۳).

۱-۵. انواع تناسب

تناسب آیات قرآن کریم یا مربوط به ارتباط درون یک سوره است یا مربوط به ارتباط و پیوستگی بین یک سوره با دیگر سوره‌های قرآن کریم است. لذا پژوهشگران علوم قرآنی تناسب آیات را به درون یک سوره و بیرون یک سوره تقسیم کرده‌اند.

۱-۵-۱. انواع تناسب درون سوره‌ای

تناسب درون سوره‌ای مربوط به پیوستگی و هماهنگی آیات یک سوره نسبت به دیگر آیات همان سوره است که خود شامل: تناسب ترتیب آیات یک سوره، تناسب آغاز سوره‌ها با مضمون آن‌ها، تناسب پایان سوره‌ها با مضمون آن، تناسب آغاز و پایان سوره‌ها، تناسب نام‌ها و صفات الهی با محورهای سوره، تکرار، مراعات نظیر (لف و نشر)، ساختار اسم موصولی، ارجاع، جانشینی، جفت صفت‌ها و ساختارهای متقارن می‌شود. البته ممکن است انواع تناسب‌ها در درون یک سوره نباشد ولی حداقل تناسب ترتیب آیات یک سوره در تمام سوره‌ها وجود دارد.

۱-۵-۱-۱. تناسب ترتیب آیات یک سوره

اولین قسم تناسب درون سوره‌ای، تناسب ترتیب آیات یک سوره است. دانشمندان علوم

قرآنی معتقدند ارتباط آیات یک سوره یا آشکار است یا پنهان. زمانی که ارتباط آیات با همدیگر آشکار است، این ارتباط نسبت به آیات قبل و بعد می‌تواند از جهت تأکید، تفسیر یا اعتراض باشد. در مورد این قسم مشکلی وجود ندارد (زرکشی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۱۳۶). به عنوان نمونه می‌توان گفت ارتباط بین این دو آیه شریفه از سوره الذاریات، رابطه تفسیری است؛ یعنی آیه دوم، آیه اول را شرح می‌دهد { قُتِلَ الْخَرَّاصُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي غَمْرَةٍ سَاهُونَ } (الذاریات/ ۱۱-۱۰) (کشته باد دروغگویان (و مرگ بر آنها!) (۱۰) همانها که در جهل و غفلت فرو رفته‌اند).

اما زمانی که ارتباط آشکار نیست و پنهان است، بلکه هر جمله از جمله دیگری مستقل است، در این صورت رابطه این دو جمله می‌تواند بدین صورت باشد که جمله دوم معطوف بر جمله اول باشد یا معطوف نباشد. و اگر معطوف باشد باید وجه مشترکی بین آن‌ها باشد. و اگر معطوف نباشد قرائن دیگری هستند که این جمله‌ها را به هم ربط می‌دهند و آن قرائن معنوی هستند (سیوطی، بی‌تا، ب، ج ۱: ۵۷-۵۸). به عنوان نمونه بین این دو آیه {ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ قَلِيلٌ مِنَ الْآخِرِينَ} (الواقعه/ ۱۳-۱۴) (گروه زیادی (از آنها) از امت‌های نخستین اند، (۱۳) و اندکی از امت آخرین!) که هر کدام جمله مستقلی محسوب می‌شوند رابطه‌ی عطف وجود دارد و وجه مشترک "الاولین" و "آخرین" نیز اینست که این‌ها افراد بهشتی هستند که مربوط به گروه "السابقون" می‌باشند.

علاوه بر ارتباط‌های مذکور، ارتباط‌هایی مانند عام، خاص، عقلی، حسی، خیالی، یا دیگر انواع رابطه‌ها یا تلازم ذهنی مانند سبب و مسبب، علت و معلول، دو چیز نظیر، دو چیز ضد، و مانند آن نیز وجود دارد که در این جا به بعضی از این ارتباط‌ها اشاره می‌شود (زرکشی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۱۳۱).

"رابطه علی و معلولی" زمانی به وجود می‌آید که بین دو جمله رابطه علی و معلولی وجود داشته باشد. وقتی این رابطه بررسی شود ارتباط و پیوستگی بین عبارات نیز بیشتر مشخص می‌شود. ادواتی که در عربی معنای تعلیل می‌دهند عبارتند از: اِنَّ، اَنْ، اَنَّ، بَاء، فاء، کي، لعل، من، اِذ. (لطفی، ۱۳۹۰: ۱۴۱) یکی از معانی اِذ، تعلیل است. مانند این آیه شریفه: {وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا لَوْ كَانَ خَيْرًا مَا سَبَقُونَا إِلَيْهِ وَإِذْ لَمْ يَهْتَدُوا بِهِ فَسَيَقُولُونَ هَذَا إِنْكَ قَدِيمٌ} (کافران درباره مؤمنان چنین گفتند: «اگر (اسلام) چیز خوبی بود، هرگز آنها (در پذیرش آن) بر ما پیشی نمی‌گرفتند!» و چون خودشان بوسیله آن هدایت نشدند می‌گویند: «این يك دروغ قدیمی است!») (الأحقاف/ ۱۱) (سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۱: ۱۴۲۱).

۴۵۸-۴۵۹) هم چنین حرف «إِنَّ» در این آیه شریفه معنای تعلیل می‌دهد: {...وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَذَهَبَ بِسَمْعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ} {...و اگر خدا بخواهد، گوش و چشم آنها را از بین می‌برد چرا که خداوند بر هر چیز تواناست.} (البقره/۲۰)

یکی دیگر از ارتباط‌های بین جملات، "ارتباط خلاف انتظار" می‌باشد (لطفی، ۱۳۹۰: ۱۴۰) که البته در انواع ارتباط در بالا بدان اشاره نشده است ولی می‌تواند یکی از ارتباط‌ها باشد. نمونه این ارتباط در زبان عربی، حرف «لَكِنَّ» است. معنای آن استدراک است. زمانی که این حرف در جمله قرار می‌گیرد عبارت بعد از آن مخالف حکم ماقبل یا نقض کننده آن است (سیوطی: ۱۴۲۱، ج ۱: ۵۲۱). نمونه چنین ارتباطی در آیه ذیل قابل مشاهده است: {لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُولُوا وُجُوهَكُمْ قَبْلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ...} (البقره/۱۷۷) (نیکو، (تنها) این نیست که (به هنگام نماز،) روی خود را به سوی مشرق و (یا) مغرب کنید (و تمام گفتگوی شما، در باره قبله و تغییر آن باشد و همه وقت خود را مصروف آن سازید) بلکه نیکو (و نیکوکار) کسی است که به خدا، و روز رستاخیز... ایمان آورده ...).

۱-۵-۲. تناسب آغاز سوره‌ها با مضمون آن‌ها (فواتح سور)

یکی از انواع تناسب درون سوره‌ای، تناسب آغاز یا فواتح سور با مضمون سوره‌ها است. بهترین سخن، کلامی است که دارای نظم خاصی باشد تا وقتی شنونده آن را می‌شنود، مراد گوینده را درک کند. قرآن کریم نیز که از جانب بهترین متکلم جهان تجلی یافته است باید دارای نظم خاصی باشد تا مخاطبان آن، هم مراد آن را به خوبی درک کنند و هم از طریق آن هدایت شوند. یکی از عواملی که باعث می‌شود یک کلامی دارای نظم خاصی باشد و شنونده به آن کلام جذب شود، آغاز سخن می‌باشد. اهل بیان (علمای بیان) گفته‌اند که حسن الابداء که همان «براعت مطلع» نامیده می‌شود، از جمله عوامل بلاغت است. و آن عبارت است از اینکه متکلم در اول کلام خودش، نیکو، نغز و محکم سخن بگوید. و از شیرین‌ترین، گویاترین، با ارزش‌ترین، سلیس‌ترین و زیباترین الفاظ از نظر نظم و سبک و از صحیح‌ترین الفاظ استفاده نماید. و گفته‌اند که تمام فواتح سوره‌های قرآن، به بهترین وجه ممکن و بر بلیغ‌ترین و کامل‌ترین وجه آمده است (معرفت، ۱۳۷۳: ۱۰۹).

برای این که بیشتر با فواتح سور آشنا شویم، لازم است به تقسیم بندی‌های دانشمندان علوم قرآنی از فواتح سور اشاره کنیم. تقسیم بندی زیر بهترین تقسیم بندی است که در این رابطه صورت گرفته است. براساس این تقسیم بندی سوره‌های قرآن کریم با ده نوع از کلام

شروع می شود که عبارت است از:

۱. شروع با ثنای خداوند که خود شامل چهارده سوره می شود.

شروع با ثنای الهی خود شامل دو قسم می شود: الف) اثبات صفات مدح: هفت سوره با این وصف آغاز می شود که پنج سوره از آن ها با حمد الهی (الحمد لله) آغاز می شود و دو سوره نیز با "تبارک" آغاز می شود. سوره هایی که با حمد الهی آغاز می شوند عبارتند از: فاتحه الكتاب (۱) {الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ}، الانعام (۶) {الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ...}، الكهف (۱۸) {الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَى عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا}، سبأ (۳۴) {الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ...} و فاطر (۳۵) {الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...}. سوره های الفرقان (۲۵) {تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا} و الملك (۶۷) {تَبَارَكَ الَّذِي يَبْدِئُ الْمُلْكَ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ} نیز با "تبارک" آغاز می شوند.

ب) تنزیه از صفات نقص: سوره هایی که با تسبیح الهی شروع می شوند، دلالت بر تنزیه خداوند از صفات نقص دارند. بعضی از این سوره ها با مصدر، بعضی با فعل ماضی، بعضی دیگر با فعل مضارع و نوع آخر نیز با فعل امر آغاز می شوند. سوره ی الاسراء (۱۷) با مصدر {سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ...}، سوره های الحديد (۵۷) و الحشر (۵۹) با فعل ماضی {سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ} {سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ}، سوره های الجمعه (۶۲) و التغابن (۶۴) با فعل مضارع {يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ} {يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ} و سوره ی الأعلى (۸۷) نیز با فعل امر {سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى} آغاز می گردد.

۲. نوع دومی که سوره ها با آن آغاز می شود حروف تهجی یا حروف مقطعه هستند. تعداد این سوره ها بیست و نه عدد است که عبارتند از:

حرف ص: ص (۳۸)، حرف ق: ق (۵۰)، حرف ن: القلم (۶۸)،

طه: طه (۲۰)، طس: النمل (۲۷)، یس: یس (۳۶)،

حم: سوره های غافر (۴۰)، فصلت (۴۱)، الشوری (۴۲)، الزخرف (۴۳)، الدخان (۴۴)، الجاثیه (۴۵)، الأحقاف (۴۶)،

الم: البقره (۲)، آل عمران (۳)، العنکبوت (۲۹)، الروم (۳۰)، لقمان (۳۱)، السجده (۳۲)،

الر: یونس (۱۰)، هود (۱۱)، یوسف (۱۲)، ابراهیم (۱۴)، الحجر (۱۵)

طسم: الشعراء (۲۶)، القصص (۲۸)

المص: الاعراف (۷)

المر: الرعد (۱۳)

کهيعص: مريم (۱۹)

۳. سومین نوع از کلامی که سوره‌های قرآن کریم با آن آغاز می‌شود، نداء است. پنج تا از این سوره‌ها با خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شروع می‌شود که شامل این سوره‌ها می‌شود: الأحزاب (۳۳)، الطلاق (۶۵)، التحريم (۶۶) با خطاب { يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ ... }، المزمل (۷۳) { يَا أَيُّهَا الْمُزَّمِّلُ } و المدثر (۷۴) { يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ }.

پنج سوره دیگر نیز با خطاب به امت شروع می‌شود که عبارتند از: النساء (۴) { يَا أَيُّهَا النَّاسُ ... }، المائده (۵) { يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ... }، الحج (۲۲) { يَا أَيُّهَا النَّاسُ ... }، الحجرات (۴۹) { يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ... } و الممتحنه (۶۰) { يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ... }.

۴. نوع چهارم شروع با جمله‌های خبریه است. این سوره‌ها بیست و سه سوره هستند. مانند: الانفال (۸) { يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ ... }، التوبه (۹) { بَرَاءَةٌ مِنَ اللَّهِ ... }، النحل (۱۶) { أَتَىٰ أَمْرُ اللَّهِ ... }، الانبياء (۲۱) { اقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ ... }، المؤمنون (۲۳) { قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ }، النور (۲۴) { سُورَةُ أَنْزَلْنَاهَا ... }، الزمر (۳۹) { تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ }، محمد (۴۷) { الَّذِينَ كَفَرُوا ... }، الفتح (۴۸) { إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ ... }، القمر (۵۴) { اقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ ... }، الرحمن (۵۵) { الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ }، المجادله (۵۸) { قَدْ سَمِعَ اللَّهُ ... }، الحاقة (۶۹) { الْحَاقَّةُ }، المعارج (۷۰) { سَأَلَ سَائِلٌ ... }، نوح (۷۱) { إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا ... }، القيامة (۷۵) { لَا أُقْسِمُ ... }، عبس (۸۰) { عَبَسَ وَتَوَلَّى }، البلد (۹۰) { لَا أُقْسِمُ ... }، القدر (۹۷) { إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدَرِ }، البينه (۹۸) { لَمْ يَكُنْ ... }، القارعه (۱۰۱) { الْقَارِعَةُ }، التكاثر (۱۰۲) { أَلْهَاكُمُ التَّكَاثُرُ } و الكوثر (۱۰۸) { إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ }.

۵. پنجمین قسمت، سوره‌هایی است که با قسم شروع می‌شود و شامل پانزده سوره می‌شود. این سوره‌ها عبارتند از: الصافات (۳۷) { وَ الصَّافَّاتِ صَفًّا }، الذاریات (۵۱) { وَ الذَّارِيَاتِ ذُرًّا }، الطور (۵۲) { وَ الطُّورِ }، النجم (۵۳) { وَ النَّجْمِ إِذَا هَوَى }، المرسلات (۷۷) { وَ الْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا }، النازعات (۷۹) { وَ النَّازِعَاتِ غَرْقًا }، البروج (۸۵) { وَ السَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ }، الطارق (۸۶) { وَ السَّمَاءِ وَ الطَّارِقِ }، الفجر (۸۹) { وَ الْفَجْرِ }، الشمس

(۹۱) {وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا}، الليل (۹۲) {وَاللَّيْلُ إِذَا يَغْشَى}، الضحی (۹۳) {وَالضُّحَى}، التین (۹۵) {وَالتِّينِ وَالزَّيْتُونِ}، العادیات (۱۰۰) {وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا} و العصر (۱۰۳) {وَالْعَصْرِ}.

۶. ششمین نوع از فواتح سور، هفت سوره است که با شرط آغاز می گردد. مانند: الواقعة (۵۶) {إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ}، المنافقون (۶۳) {إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ...}، التکویر (۸۱) {إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ}، الانفطار (۸۲) {إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ}، الانشقاق (۸۴) {إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ}، الزلزلة (۹۹) {إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا} و النصر (۱۱۰) {إِذَا جَاءَ النَّصْرُ اللَّهُ وَالْفَتْحُ}.

۷. شروع با امر هفتمین قسمت است که شامل این شش سوره می شود. الجن (۷۲) {قُلْ أُوْحِي...}، العلق (۹۶) {اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ}، الکافرون (۱۰۹) {قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ}، الاخلاص (۱۱۲) {قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ}، الفلق (۱۱۳) {قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ} و الناس (۱۱۴) {قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ}.

۸. هشتمین نوع از فواتح سور استفهام است که شش سوره با آن شروع می شود. مانند: الانسان (۷۶) {هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ...}، نبأ (۷۸) {عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ}، الغاشیه (۸۸) {هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ}، الشرح (۹۴) {أَلَمْ نَشْرَحْ...}، الفیل (۱۰۵) {أَلَمْ تَرَ كَيْفَ...} و ماعون (۱۰۷) {أَرَأَيْتَ الَّذِي يَكْذِبُ بِالْدِّينِ}.

۹. نهمین نوع، سوره هایی است که با دعاء آغاز می شوند و تعداد آن ها سه سوره است. مطففین (۸۳) {وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ}، همزه (۱۰۴) {وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ} و المسد (۱۱۱) {تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ}.

۱۰. آخرین نوع از فواتح سور، تعلیل می باشد که فقط سوره قریش (۱۰۶) {لَا يَلَافُ قُرَيْشٌ} با آن آغاز می شود (سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۲: ۲۰۹-۲۱۱؛ زرکشی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۲۵۴-۲۶۹).

در پایان این مبحث به نمونه ای از تناسب فواتح سور با مضمون آن سوره اشاره می شود. علامه طباطبایی در مورد سوره مبارکه نور می فرماید: مضمون سوره همان چیزی است که سوره با آن آغاز شده {سُورَةٌ أَنْزَلْنَاهَا وَفَرَضْنَاهَا وَأَنْزَلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لَّعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ} و آن بعضی از احکام الهی است و سپس برخی از احکام الهی متناسب با آن ذکر شده است. سپس ایشان در ذیل آیه اول همین سوره بیان می کند که منظور از {... وَأَنْزَلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لَّعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ} آیه نور و آیات بعد از آن است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۵: ۷۸). بنابراین با توجه به توضیحات داده شده مشخص شد که آغاز سوره مبارکه نور با

مضمون سوره تناسب و ارتباط دارد.

۱-۵-۳. تناسب پایان سوره‌ها با مضمون آن‌ها

نوع سوم از تناسب درون سوره‌ای، تناسب پایان سوره‌ها با مضمون آن‌هاست. معمولاً افراد در یک سخن و کلام منظم سعی می‌کنند آخرین مطالب خود را، مطالب کلیدی، مهم و به صورت جمع‌بندی به مخاطب القاء کنند. از همین رو ابن ابی أصبغ می‌گوید: «بر گوینده چه شاعر و چه نثرپرداز، واجب است کلامش را با بهترین پایان، پایان بخشد؛ که آن آخرین بخشی است که در گوش‌ها باقی می‌ماند و چه بسا، بیشتر اوقات، همان بخش و نه سایر بخش‌ها به خاطر سپرده می‌شود» (ابن ابی أصبغ، ۱۳۶۸: ۳۸۴).

نمونه این تناسب را می‌توان در سوره مریم پی‌جویی کرد؛ زیرا غرض سوره که تبشیر و انذار است در آیه آخر این سوره ذکر شده است: { فَإِنَّمَا يَسْرُنَا بِلِسَانِكَ لِنُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَ تُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لَّدَا } (و ما فقط آن [قرآن] را بر زبان تو آسان ساختیم تا پرهیزگاران را بوسیله آن بشارت دهی، و دشمنان سرسخت را با آنان انذار کنی). و تبشیر و انذار نیز در قالب داستان‌های زکریا و یحیی، مریم و عیسی، ابراهیم و اسحاق و یعقوب، موسی و هارون، اسماعیل و ادريس عليهم السلام بیان شده است (نک: طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۴: ۶).

۱-۵-۴. تناسب میان آغاز و پایان سوره‌ها

تناسب میان آغاز و پایان سوره چهارمین نوع از تناسب درون سوره‌ای است. به عبارت دیگر علاوه بر این که فواتح سور و خواتم سور هرکدام به طور جداگانه می‌توانند با مضامین سور تناسب و پیوستگی داشته باشند، خود فواتح و خواتم سور نیز می‌توانند با هم در ارتباط و هماهنگ باشند.

فخر رازی در تناسب و پیوستگی آغاز و پایان سوره مبارکه بقره بیان می‌کند: همان طور که در اول سوره، متقین مدح شده‌اند در آخر سوره نیز به آن‌ها اشاره شده است و مراد از { الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ ... } (البقره/۳) همان { ... وَ الْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ كُتُبِهِ ... } (البقره/۲۸۵) است هم چنین منظور از { ... وَ قَالُوا سَمِعْنَا وَ أَطَعْنَا ... } (البقره/۲۸۵) همان چیزی است که در اول سوره آمده { ... وَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ } (البقره/۳) «بدأ في السورة بمدح المتقين الذين يؤمنون بالغيب، و يقيمون الصلاة/ و مما رزقناهم ينفقون، و بين في آخر السورة أن الذين مدحهم في أول السورة هم أمة محمد صلى الله عليه و سلم، فقال: وَ الْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ كُتُبِهِ وَ رُسُلِهِ

لَا تُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَ هَذَا هُوَ الْمَرَادُ بِقَوْلِهِ فِي أَوَّلِ السُّورَةِ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ [البقرة: ۳]. ثم قال ها هنا وَ قَالُوا سَمِعْنَا وَ أَطَعْنَا وَ هُوَ الْمَرَادُ بِقَوْلِهِ فِي أَوَّلِ السُّورَةِ وَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ [البقرة: ۳]» (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۷: ۱۰۶).

هم چنین ایشان در پایان سوره مبارکه واقعه به تناسب میان آغاز و پایان این سوره اشاره می کند و می گوید همان طور که در اول سوره به گروه های سه گانه اشاره شده بود در پایان سوره نیز با تعابیر دیگر به این سه گروه اشاره شده است «ذكر الأزواج الثلاثة في أول السورة بعبارة و أعادهم بعبارة أخرى» (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۹: ۴۳۹).

۱-۵-۱. تناسب نام ها و صفات الهی با محورهای سوره

یکی دیگر از انواع تناسب درون سوره ای تناسب نام ها و صفات الهی با محورهای سوره است. منظور اینست که اگر در سوره ای یکی از نام ها یا صفات الهی زیاد بکار رفته باشد، می تواند بین این واژه پربسامد با محور سوره ارتباط و تناسبی باشد. به عنوان نمونه می توان گفت مخاطب سوره هایی که نام «الله» در آن ها زیاد به کار رفته، معمولاً مؤمنان هستند و آن ها را از لغزشگاه های اخلاق و عمل، متوجه مقام بزرگ خداوند می کند؛ اما در سوره هایی که نام «رب» در آن ها بیشتر به کار رفته، مخاطب آن مشرکان هستند و محور سوره در جهت شرك زدایی و توحید است؛ مانند سوره «الملک» (بازرگان، ۱۳۷۲، ج ۱: ۹).

۱-۵-۱-۶. تکرار

تکرار یکی از راه هایی است که باعث پیوستگی متن می شود (Salkie, 1995, 4). یکی از ویژگی های قرآن کریم نیز تکرار آیات است. می توان در رابطه با این بحث با دو دیدگاه نگاه کرد. یک دیدگاه این باشد که این آیات تکراری در سوره های مختلف تفاوت خاصی با هم ندارند. دیدگاه دیگر که صحیح است، اینست که تکرار آیات با هدف خاصی افتاده است. بنابراین از نظر قرآن تکرار پدیده ای پیش افتاده نیست و کتابی که خود را ذکر می نامد و دغدغه ی اصلی اش تبیین پیام الهی به شکاکان و مؤمنان و مسلمانان است، غیر از این انتظار دیگری نمی رود. از نظر قرآن تنها مسأله اینست که آیا تکرار هدفمند است یا خیر (میر، ۱۳۸۶: ۳۳۹). با بررسی چند نمونه می توان نشان داد که این اسلوب، دارای هدف خاصی است.

نمونه آن این آیه شریفه است {فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ} (پس کدامین نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟) که در سوره الرحمن ۳۱ بار تکرار شده است. از آن جایی

که این سوره در مورد نعمت‌های الهی است، بیشترین تکرار این آیه نیز بعد از شمارش نعمت‌های الهی است و در برخی موارد نیز بعد از ذکر مخلوقات که نعمت الهی شامل آن‌ها شده، تکرار شده است. بنابراین می‌توان گفت این آیه به صورت زنجیروار کل سوره را به هم وصل کرده است.

نمونه دیگر تکرار این عبارت قرآنی است {وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ} (وای در آن روز بر تکذیب‌کنندگان) که ۱۰ بار در سوره المرسلات (آیات: ۱۵، ۱۹، ۲۴، ۲۸، ۳۴، ۴۰، ۳۷، ۴۵، ۴۷ و ۴۹) تکرار شده است. سوره مبارکه مرسلات از روز قیامت خبر می‌دهد و بر وقوع آن تأکید می‌کند و جنبه وعید بر وعد غلبه دارد و بخاطر همین آیه شریفه {وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ} (وای در آن روز بر تکذیب‌کنندگان) ۱۰ بار تکرار شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰: ۱۴۵).

در این جا بعضی از آیات این سوره آورده می‌شود تا مشخص گردد چگونه تکرار آیات موجب پیوستگی آیات می‌شود. در این قسمتی که از سوره المرسلات انتخاب شده است مجموعه‌ای از آیات با "أَلَمْ" شروع شده و با عبارت "وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ" پایان یافته و این کار سه بار تکرار شده است.

أَلَمْ نُهْلِكِ الْأَوَّلِينَ (۱۶) آیا ما اقوام (مجرم) نخستین را هلاک نکردیم؟!
ثُمَّ نَتَّبِعُهُمُ الْآخَرِينَ (۱۷) سپس دیگر (مجرمان) را به دنبال آنها می‌فرستیم! (۱۷)
كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ (۱۸) (آری) این گونه با مجرمان رفتار می‌کنیم!
وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (۱۹) ای در آن روز بر تکذیب‌کنندگان!
أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِنْ مَّاءٍ مَّهِينٍ (۲۰) آیا شما را از آبی پست و ناچیز نیافریدیم،
فَجَعَلْنَاهُ فِي قَرَارٍ مَكِينٍ (۲۱) سپس آن را در قرارگاهی محفوظ و آماده قرار دادیم،
إِلَى قَدَرٍ مَعْلُومٍ (۲۲) تا مدتی معین؟!
فَقَدَرْنَا فَنِعْمَ الْقَادِرُونَ (۲۳) ما قدرت بر این کار داشتیم، پس ما قدرتمند خوبی هستیم (و امر معاد برای ما آسان است)!

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (۲۴) وای در آن روز بر تکذیب‌کنندگان!
أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا (۲۵) آیا زمین را مرکز اجتماع انسانها قرار ندادیم،
أَحْيَاءَ وَأَمْواتًا (۲۶) هم در حال حیاتشان و هم مرگشان؟!
وَجَعَلْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ شَامِخَاتٍ و در آن کوه‌های استوار و بلندی قرار دادیم،
وَأَسْقَيْنَاكُمْ مَاءً فُرَاتًا (۲۷) و آبی گوارا به شما نوشاندیم!

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (۲۸) وای در آن روز بر تکذیب کنندگان!
با توجه به توضیحات فوق مشخص است که تکرار آیه شریفه "وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ"
با مضمون سوره در ارتباط تنگاتنگی قرار گرفته و آیات سوره را به هم وصل می کند.

۱-۵-۷. مراعات نظیر (لف و نشر)

لف و نشر آن است که امور متعددی را به طور تفصیل یا اجمال ذکر نمایند سپس مناسب هر يك از این متعدد را بدون تعیین بیاورند به اعتماد این که شنونده می تواند مناسب هر يك را به آن متعدد برگرداند (طاهرخانی، ۱۳۸۳: ۷۱). گونه اول مراعات نظیر یا لف و نشر مرتب است. مانند این آیه شریفه: {... جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ...} (القصص/۷۳) (... برای شما شب و روز قرار داد تا هم در آن آرامش داشته باشید و هم برای بهره گیری از فضل خدا تلاش کنید...) که اللَّيْلَ (A) و النَّهَارَ (B) با لِتَسْكُنُوا فِيهِ (A) و لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ (B) در ارتباط است (سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۲: ۱۷۷). بنابراین شب با آرامش و روز با بهره گیری از فضل الهی در ارتباط است.

نمونه دیگر که جامع تر است، آیات ۱۱-۶ سوره الضحی است که به برخی از ویژگی های زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اشاره می کند. در این آیات، گزاره های متناظر به ترتیب زیر است.

- أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى (A) آیا او تو را یتیم نیافت و پناه داد؟! (۶)
وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى (B) و تو را گم شده یافت و هدایت کرد، (۷)
وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى (C) و تو را فقیر یافت و بی نیاز نمود، (۸)
فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ (A) حال که یتیم است یتیم را تحقیر مکن، (۹)
وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ (B) و سؤال کننده را از خود مران، (۱۰)
وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ (C) و نعمت های پروردگارت را بازگو کن! (۱۱)

ارتباط این آیات به این شکل است: چون خدا تو را (پیامبر) یتیم یافت، پس پناه داد (آیه ۶: A) و اما تو نیز یتیم را میازار (آیه ۹: A). و خدا تو را سرگشته یافت، پس هدایت کرد (آیه ۷: B) و تو نیز گدا را مران (آیه ۱۰: B). و از آنجا که خدا تو را دست تنگ یافت و بی نیاز گردانید (آیه ۸: C)، پس از نعمت پروردگار خود با مردم سخن بگو (آیه ۱۱: C) (میر، ۱۳۸۸: ۱۶۱).

گونه دوم مراعات نظیر نامرتب است. نمونه آن بخشی از آیه دوم سوره المائده است: {... وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ...} (المائده/۲)

(...) و (همواره) در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعاون کنید! و (هرگز) در راه گناه و تعدی همکاری ننمایید... () در این آیه واژه های الْبِرِّ (A) وَ التَّقْوَى (B) با واژه های الْإِثْمِ (B) وَ الْعُدْوَانِ (A) در ارتباط هستند. همان طور که مشخص است در این آیه نیکی با تعدی و پرهیزگاری با گناه تناسب و ارتباط دارند و برعکس نمونه های قبل، چون در اینجا واژه ها به صورت نامرتب پشت سرهم قرار گرفته اند به آن مراعات نظیر نامرتب گویند.

بنابراین با توضیحات فوق و نشان دادن بعضی از نمونه های مراعات نظیر، می توان گفت یکی از روش های تناسب آیات ضمن سور این صنعت ادبی است که باعث می شود واژه ها و عبارات با هم مرتبط شوند و از این طریق خواننده به پیوستگی و تناسب آیات پی ببرد.

۱-۵-۱. ساختار اسم موصولی

یکی از روش هایی که می توان برای ارتباط آیات به کار برد استفاده از اسم موصولی است که بعد از اسم معرفه قرار می گیرد و آن را توضیح می دهد (عبدالرئوف، ۱۳۸۶: ۳۵۰). بنابراین وقتی اسم موصولی اسمی را توضیح می دهد باعث پیوستگی بین عبارات می شود و سطح کلان آن هنگامی اتفاق می افتد که چندین اسم موصولی بخواهند آن اسم را توضیح دهند که در این صورت باعث انسجام و ارتباط چندین آیه می شود. آیات ۱۱-۱ سوره المؤمنون در این قالب، قابل مشاهده است.

قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ (۱) مؤمنان رستگار شدند.

الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ (۲) آنها که در نمازشان خشوع دارند.

الَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ (۳) و آنها که از لغو و بیهودگی روی گردانند.

وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ (۴) و آنها که زکات را انجام می دهند.

وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ (۵) و آنها که دامان خود را حفظ می کنند

إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ، تنها آمیزش جنسی با همسران و کنیزانشان دارند،

أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ (۶) که در بهره گیری از آنان ملامت نمی شوند.

فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ (۷) و کسانی که غیر از این طریق را طلب

کنند، تجاوزگرند!

وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ (۸) و آنها که امانتها و عهد خود را رعایت

می کنند.

وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ (۹) و آنها که بر نمازهایشان مواظبت می نمایند.

أُولَٰئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ (۱۰) (آری،) آنها وارثانند!